

پنج‌گوش مرگی

پنجر کردن یکصد خودرو؛ اتهام مرد باز‌نشسته

پلیس «اتریش» یک مرد بازنشسته را به اتهام پنجر کردن و گاهی سوزاندن چرخ‌های خودروهای پارک شده در منطقه محل سکونش دستگیر کرد. به گزارش ایسنا، این مرد ۳۸ساله که ساکن منطقه «اورالد» است، یکصد خودرو را که آخر هفته‌ها به این منطقه می‌آمدند، پنجر می‌کرد یا لاستیک‌شان را می‌سوزاند. این مرد در دادگاه منطقه جرمش را قبول کرد و گفت بیش از ۴۰ خودرو را در طول ۱۲ ماه گذشته تخریب و یکصد لاستیک را هم پنجر کرده است.

پایان تلخ برای گربه بازیگوش

گربه‌ای که ۱۰ روز قبل از دست صاحبش فرار کرده و بالای یک درخت گیر افتاده بود، بالاخره از آنجا سقوط کرد و مرد. به گزارش ایسنا، صاحب این گربه بازیگوش گفت: در ۱۰ روز گذشته هر چقدر تلاش‌اش کردم گربه‌ام را از بالای درخت پایین بیاورم، موفق نشدم. حتی همسر من تک ماهی و اسباب‌بازی مورد علاقه این حیوان را در نزدیک‌ترین محل ممکن روی درخت قرار داد، اما حیوان پایین نیامد. بنا بر این گزارش گربه بازیگوش پس از ۱۰ روز گیر افتادن روی درخت و در ارتفاع ۱۸ تا ۲۰ متری به پایین افتاد و مرد.

خبر

ربایندگان کودک شش‌ساله به دام افتادند

گروه حوادث: دو آدم‌ریا که در یزد کودک شش‌ساله‌ای را گروگان گرفته بودند، دستگیر شدند. این کودک به نام ابوالفضل ربوده شده و آدم‌ربایان برای آزادی‌اش پنج میلیون تومان پول نقد خواسته بودند. ماموران پلیس آگاهی زمانی که در جریان این واقعه قرار گرفتند با اقدامات فنی و اطلاعاتی هنگامی که آدم‌ریا قصد داشت با پدر ابوالفضل ملاقات و پول را دریافت کند، توسط ماموران شناسایی و دستگیر شد. متهم ۲۲ساله به نام رضا در بازجویی‌ها گفت: روز حادثه همراه یکی از دوستانم به نام جواد خودرویی را از مردودشت به مقصد یزد کرایه کردیم و تصمیم گرفتیم پس از رسیدن به مقصد، بچه‌ای را گروگان بگیریم. به همین دلیل راننده را به بهانه‌ای به خانه‌مان کشاندیم و وقتی او در حال استراحت بود، ماشین را به بهانه بنزین زدن گرفتیم- و در کوچه‌های اطراف همان منطقه پرسه زدیم تا اینکه ابوالفضل را دیدیم که تنها در کوچه ایستاده بود.

سپس به بهانه پرسیدن آدرس او را سوار کردیم و به محل سکونت‌ام انتقال دادیم. متهم ادامه داد: بدون اینکه راننده خودرو متوجه موضوع شود، جواد به همراه وی به شیراز رفت و قرار شد من پس از اخذ وجه نقد به او اطلاع دهم. بنا بر این گزارش ماموران پس از شنیدن این اعترافات پسرچه را آزاد و جواد را دستگیر کردند.

قتل سریالی رانندگان تاکسی در دومینیکن

گروه حوادث: پنج نوجوان در جمهوری دومینیکن به جرم قتل هفت راننده تاکسی به حبس محکوم شدند.

به گزارش پایگاه اینترنتی هرالدرتیربیون این پنج نوجوانی که بین ۱۵ تا ۱۷ سال سن دارند و دو نفرشان دختر هستند، به اتهام قتل و مجروح کردن ۹ راننده تاکسی در ماه آوریل سال جاری میلادی هر کدام به سه تا پنج سال حبس محکوم شدند. این در حالی است که خانواده قربانیان از دادگاه درخواست ۳۰ سال حبس برای این نوجوانان کرده بودند. این نوجوانان قبیل از قتل برای گرفتن پول رانندگان، آنها را با اسلحه تهدید می‌کردند. بر اساس اعلام پزشکی‌قانونی جمهوری دومینیکن اکثر قربانیان این پنج نوجوان به واسطه خوردن ماده سفیدکننده «وایتکس» جان خود را از دست داده‌اند. در گزارش پزشکی‌قانونی به این موضوع نیز اشاره شده است که متهمان با پاشیدن وایتکس روی بدن قربانیان خود قصد داشتند مانع تشخیص هویت آنها شوند.

حمله مردان مسلح امریکایی

یک مهمانی را خونین کرد

گروه حوادث: ۱۳ نفر در پی حمله مسلحانه به یک مهمانی در امریکا، کشته و مجروح شدند. به گزارش شینهو، «فرچارد توماس» پلیس منطقه لس‌آنجلس در ایالت «کالیفرنیا» در امریکا در این باره گفت: این تیراندازی در ساعت ۲:۱۰ دیروز به وقت محلی در شرق لس‌آنجلس رخ داد. وی خاطرنشان کرد: یک تن از شرکت‌کنندگان در این مهمانی به ضرب گلوله جان خود را از دست داد و ۱۲ تن دیگر هم به شدت مجروح شدند. وضعیت سه مجروح وخیم گزارش شده است. تحقیقات در رابطه با علت این تیراندازی در دست بررسی است و تاکنون فردی در این رابطه شناسایی و دستگیر نشده است.

مسمومیت ۱۷ شاگرد در پی نشت گاز کلر

نشت گاز کلر در استخری باعث مسموم شدن ۱۷ تن از شاگردان شد. حسن عباسی مدیر روابط عمومی اورژانس تهران در گفت‌و با ایسنا در این باره گفت: امدادگران اورژانس در ساعت ۸:۲۲ روز شنبه از طریق تماس مردمی با مرکز فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ در جریان گازگرفتگی در استخری واقع در خیابان آسمان در منطقه جنت‌آباد قرار گرفتند.

وی افزود: امدادگران پس از حضور در محل مورد نظر با ۱۷ مصدوم روبه‌رو شدند که به علت نشت گاز «کلر» دچار گازگرفتگی شده بودند. مدیر روابط عمومی اورژانس تهران ادامه داد: ترکیب آب با کلر در استخرها سبب ایجاد گازی می‌شود که اگر از کلر به مقدار زیاد استفاده شود، باعث مسمومیت می‌شود. وی در پایان اضافه کرد: ۱۷ مصدوم این حادثه که به علت استنشاق گاز دچار سرفه سبک‌ریجه و حالت تهوع شده بودند، به صورت سریایی در محل درمان شدند.

گاز کلر

حوادث

مرد شکاک بعد از طلاق، همسر و فرزندش را کشت

گروه حوادث: مرد شکاک در یک انتقام‌گیری

جنون‌آمیز همسر سابق و فرزندش را کشت و مردی دیگر را با شلیک گلوله زخمی کرد. کارآگاهان جنایی شیراز زمانی در جریان این جنایت قرار گرفتند که زن و مردی به پلیس آگاهی رفتند و به نقل از نوه خردسال‌شان گفتند دخترشان به نام مینا به قتل رسیده است. پدر مینا به افسران جنایی گفت: «مهرز وقتی دخترم تاخیر کرد، نگران‌ش شدیم و چند بار با او تماس گرفتیم اما کسی به تلفن جواب نمی‌داد تا اینکه آخرین بار نوه‌ام نیلوفر گوشی را جواب داد و گفت پدرش، مادرش را کشته است.» کار آگاهان وقتی فهمیدند مینا زنی مطلقه است که حدود دو ماه قبل از همسرش جدا شده و حضانت نیلوفر را هم برعهده گرفته، احتمال وقوع جنایت انتقام‌جویانه را بعید ندانستند و این بار خودشان با موبایل مینا تماس گرفتند. دختر پنج ساله در حالی که بسیار وحشت‌زده و بی‌رقم بود، همان حرفه‌هایی را که به پدربزرگش گفته بود بار دیگر تکرار کرد ولی اطلاعاتی

برای یافتن این مرد به نام خلیل پرداخت اما هنوز ردپایی از این متهم به دست نیامده بود که مردی زخمی خودش را به اداره آگاهی رساند. او تقریباً همزمان با مادر و دختر در همان جاده هدف گلوله قرار گرفته بود اما نتوانسته بود خودش را به بیمارستان برساند و از چنگ مرگ بگریزد. این مرد گفت: «من سوار بر ماشینم در جاده در حال عبور بودم که یک پژو ۴۰۵ پشیمی‌رنگ به من نزدیک شد و مردی که سوار آن بود، گلوله‌ای به من شلیک کرد.» مرد زخمی که صورت تیرانداز را دیده بود و به خاطر داشت، به ماموران برای ترسیم چهره فرضی وی کمک کرد و حاصل کار بار جرائم خلیل را سنگین‌تر کرد چراکه عامل تیراندازی به مرد نجات‌یافته شباهت زیادی به قاتل مادر و فرزند داشت.

به این ترتیب کار آگاهان اولین سرخ‌ن را از متهم به دست آوردند و دنبال یک پژو ۴۰۵ پشیمی‌رنگ گشتند، این کار فایده‌ای نداشت چراکه خودرو مورد نظر بدون سرنشین و رها شده در گوشه‌ای از شهر پیدا شد. افسران

قضات دادگاه کیفری استان تهران حکم دادند

تبرئه دو باجناق از اتهام سوزاندن مرد طلبکار

می‌خواهد خرجی زن و بچه بدهد. چند دقیقه بعد صدای فریاد شنیدم. وارد شدم و دیدم پدرم آتش گرفته است. وی ادامه داد: پدرم دو روز در بیمارستان بود و می‌توانست حرف بزند. او گفت بنزین را رویش ریختند اما اینکه چه کسی این کار را کرد، به ما نگفت.

پونس گفت: قرار بود ما پولی که قریب‌ا طلب داشت، به ما بدهیم ولی باید فاکتورهایش را می‌دیدیم، مشاجره تمام شد و او رفت و دوباره برگشت. در کارگاه ما به واسطه کاری که داریم یک کوره همیشه روشن است. زمانی که قربان



هشت میلیون تومان طلب دارد و آنها می‌گفتند فقط سه میلیون تومان بدهکار هستند. پدرم آن روز بری وصول طلب سراغ دو باجناق رفته بود. او با من تماس گرفت و خواست دفتر حساب

را برایش ببرم. من هم کاری که گفته بود، انجام دادم. وقتی حساب کریم شش و نیمی میلیون تومان طلبکار شدیم ولی متهمان گفتند فاکتور بیاورید تا پول را بدهیم. ما درگیری لفظی پیدا کردیم و بعد محل را ترک کردیم. بیرون بودیم که پدرم به من گفت یک بار دیگر می‌روم و با آنها صحبت می‌کنم. شاید نتیجه داد. من از او خواستم این کار را نکند ولی به حرفم توجه نکرد. او می‌گفت اگر این پول را نگیریم، چه کسی می‌دزدید.

پونس گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

یونس و علی نیز از همکاران‌مان بودند. پدرم مدعی بود

پونس گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

یونس و علی نیز از همکاران‌مان بودند. پدرم مدعی بود

پونس گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

یونس و علی نیز از همکاران‌مان بودند. پدرم مدعی بود

ده‌ها فقره سرقت اقرار کرد و گفت تاکنون در مسیر س‌راه تهرانپارس – میدان انقلاب به ده‌ها تاکسی دستبرد زده است. او در تشریح سرقت‌هایش به کارآگاهان گفت: در مسیر س‌راه تهرانپارس – میدان انقلاب به عنوان مسافر سوار تاکسی‌ها می‌شدم و روی

به گزارش خبرنگار ما، روز اول شهریور یک راننده

تاکسی با کلاتری انقلاب تماس گرفت و از دستگیری مسافری که قصد داشت از او سرقت کند، خبر داد. دقایقی بعد ماموران خود را به محل حادثه رساندند تا

در این باره تحقیق کنند. شاکي به ماموران گفت: ساعتی قبل مسافری را سوار خودروام کردم و او کنار من، روی صندلی جلو نشست. دقایقی بعد دو نفر دیگر نیز سوار تاکسی‌ام شدند. در طول مسیر رفتار مسافری که کنارم نشسته بود، توجهم را به خود جلب کرد تا اینکه یک لحظه فهمیدم او مشغول باز کردن در داشبورد خودرو و برداشتن وسایل داخل آن است. مرد سارق که دستش رو شده بود، تلاش کرد از خودرو پیاده شود و فرار کند اما با کمک دو مسافر دیگر توانستم او را دستگیر کنم.

از آنجا که مرد دستگیرشده به نام رحیم هیچ راهی برای دفاع از این کارش نمی‌دید، به ناچار اتهامش را پذیرفت. از آنجا که ممکن بود سرقت‌های متهم بیش از یک فقره باشد، پرونده به دستور مهرآرا بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۶ برای رسیدگی تخصصی به اداره بیستم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. با آغاز بازجویی‌های فنی از متهم ابعاد جدیدی از سرقت‌های او فاش شد. رحیم در این مرحله به ارتکاب

به گزارش خبرنگار ما، روز اول شهریور یک راننده تاکسی با کلاتری انقلاب تماس گرفت و از دستگیری مسافری که قصد داشت از او سرقت کند، خبر داد. دقایقی بعد ماموران خود را به محل حادثه رساندند تا در این باره تحقیق کنند. شاکي به ماموران گفت: ساعتی قبل مسافری را سوار خودروام کردم و او کنار من، روی صندلی جلو نشست. دقایقی بعد دو نفر دیگر نیز سوار تاکسی‌ام شدند. در طول مسیر رفتار مسافری که کنارم نشسته بود، توجهم را به خود جلب کرد تا اینکه یک لحظه فهمیدم او مشغول باز کردن در داشبورد خودرو و برداشتن وسایل داخل آن است. مرد سارق که دستش رو شده بود، تلاش کرد از خودرو پیاده شود و فرار کند اما با کمک دو مسافر دیگر توانستم او را دستگیر کنم. از آنجا که مرد دستگیرشده به نام رحیم هیچ راهی برای دفاع از این کارش نمی‌دید، به ناچار اتهامش را پذیرفت. از آنجا که ممکن بود سرقت‌های متهم بیش از یک فقره باشد، پرونده به دستور مهرآرا بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۶ برای رسیدگی تخصصی به اداره بیستم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. با آغاز بازجویی‌های فنی از متهم ابعاد جدیدی از سرقت‌های او فاش شد. رحیم در این مرحله به ارتکاب

به گزارش خبرنگار ما، این قتل شهریور سال ۸۲ زمانی که مرد دلارفروش به نام سلمان برای انجام یک معامله وارد کارگاه تولید پوشاک شد، به وقوع پیوست. یک روز بعد از گم شدن سلمان‌سود که فرزندان وی موضوع را به پلیس خبر دادند. آنها گفتند: پدرمان دلارفروش بود و هر روز بعدازظهر بعد از کارش به خانه می‌آمد. اما روز حادثه هر چه منتظر شدیم نیامد. او بدون اطلاع ما جایی نمی‌رفت. چند روز بعد پلیس

جسد سوخته مردی را در بیابان‌های ورامین پیدا کرد و فرزندان سوار آن را شناسایی کردند.

با توجه به اینکه مشخص شده بود سلمان به قتل رسیده است، تحقیقات کارآگاهان ویژه‌رقت قتل در این خصوص آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد مقتول در آخرین روز زندگی‌اش با مردی به نام مصطفی که در یک کارگاه تولید پوشاک کار می‌کند، دیده شده بود. به این ترتیب مصطفی دستگیر و معلوم شد او در این جنایت هم‌دستی به نام امیرحسین داشت. بعد از بازداشت دو متهم آنها به

طرز فجیعی توسط دو جوان به قتل رسیده بود، با اعلام گذشت از یکی از متهمان به او زندگی دوباره بخشیدند. به گزارش خبرنگار ما، این قتل شهریور سال ۸۲ زمانی که مرد دلارفروش به نام سلمان برای انجام یک معامله وارد کارگاه تولید پوشاک شد، به وقوع پیوست. یک روز بعد از گم شدن سلمان‌سود که فرزندان وی موضوع را به پلیس خبر دادند. آنها گفتند: پدرمان دلارفروش بود و هر روز بعدازظهر بعد از کارش به خانه می‌آمد. اما روز حادثه هر چه منتظر شدیم نیامد. او بدون اطلاع ما جایی نمی‌رفت. چند روز بعد پلیس

گاز کلر

سال پنجم ■ شماره ۱۰۷۲ *شرق*

حادثه‌ها

بازپرس ویژه قتل تهران خبر داد
اعتراف دو متهم به قتل دکتر سربابی

گروه حوادث: بازپرس ویژه قتل تهران از اعتراف دو متهم به قتل دکتر سربابی خبر داد. محمد شهریاری رئیس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران دیروز بدون توضیح بیشتری گفت: دو متهم بازداشت شده در جریان قتل دکتر سربابی، به ارتکاب جنایت اعتراف کردند و در حال حاضر تحقیقات برای کشف انگیزه واقعی متهمان از ارتکاب قتل ادامه دارد. دکتر سربابی پزشک متخصص قلب ساعت ۱۹:۳۰ چهارشنبه گذشته مقابل مطب خود در میدان ۵۳ نارمک مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به بیمارستان امام حسین(ع) منتقل شد. وی ساعت ۱۴ روز جمعه دوم همراه تسلیم مرگ شد و به این ترتیب تحقیق در مورد این حادثه با موضوع قتل در دستور کار بازپرس جنایی پایتخت قرار گرفت. سرخ‌نهای به‌دست آمده در جریان تحقیقات ابتدایی حاکی از حضور دو مظنون در وقوع این جنایت بود که بلافاصله دستور بازداشت هر دو نفر صادر شد و ماموران موفق به دستگیری آنان شدند. شنیده‌ها حاکی است مادر دو متهم از بیماران دکتر سربابی بود و آن دو که قبل از پزشک را مقصر مرگ مادرشان می‌دانستند از یک هفته قبل او را زیر نظر گرفتند و در نهایت با انگیزه انتقامجویی دست به قتل زدند. بنا بر این گزارش دکتر سربابی دومین پزشکی است که طی هفته گذشته به ضرب گلوله از پا در آمد و پیش از وی نیز دکتر سودبخش استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران با همین شیوه مقابل مطب خود در بلوار کشاورز به قتل رسیده بود.

اعتراف سارقان سیم‌برق به ۵۰ فقره سرقت

گروه حوادث: هشت نفر از اعضای باند سارقان سیم برق پس از دستگیری توسط ماموران پلیس کرج به ۵۰ فقره دزدی اقرار کردند. «سرهنگ ناصر اصلاعی» فرمانده انتظامی شهرستان کرج با اعلام این خبر افزود: ماموران گشت حین انجام وظیفه در سطح حوزه استحفاظی خود در مشکین‌دشت شخصی را در حال بریدن سیم و کابل برق دکل ترانس مشاهده کردند و در حالی که سارق به محض دیدن ماموران قصد فرار داشت، او را دستگیر کردند و از وی قیچی برش کابل، کلید و زنجیر مخصوص کشیدن کابل برق و دو عدد آچار تخت برای باز کردن پیچ‌های ترانس کشف کردند. اصلاعی گفت: متهم «فریدن» در بازجویی‌ها به سرقت سیم برق با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد که بلافاصله مخفیگاه همدستان وی در کرج شناسایی شد و همگی در عملیات‌های ضربتی دستگیر شدند. در ادامه پیگیری‌ها و تحقیقات از متهمان، ردپای چهار سارق سابقه‌دار حرفه‌ای نیز در این باند دیده شد که با تعقیب و مراقبت‌های لازم و شناسایی محل اختفایشان، آنها نیز به دام افتادند. فرمانده انتظامی شهرستان کرج تصریح کرد: با دستگیری هشت عضو باند سرقت سیم و کابل‌های برق، تحقیقات ویژه‌ای از آنها انجام شد و تا کنون ۵۰ فقره از سرقت‌های آنها کشف شده و در این رابطه یک نفر ملخ‌نرخ شناسایی شده است.

دستگیری مامور قاچاقی اداره گاز
به جرم آزار زن خانه‌دار

گروه حوادث: فردی که با جعل عنوان مامور اداره گاز به خانه‌ای مراجعه کرده بود و قصد داشت زنی را مورد تعرض قرار دهد، شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ زینلی رئیس پلیس آگاهی استان یزد در این رابطه توضیح داد: در پی شکایات زنی مبنی بر اینکه شخصی به در منزلش مراجعه کرده و خود را مامور اداره گاز معرفی کرد و با استفاده از غفلت وی به‌داخل منزل رفت و قصد آزار و اذیت داشت، اکیبی از کارآگاهان مبارزه با جرائم جنایی فعالیت خود را آغاز کردند. زینلی افزود: با توجه به اهمیت موضوع اقدامات لازم برای شناسایی و دستگیری متهم به صورت ویژه‌ای تحت پیگیری قرار گرفت که با راهنمایی قربانی چهرونگاری انجام شد و با انجام اقدامات اطلاعاتی گسترده یک مظنون شناسایی و در عملیات غافلگیرانه دستگیر شد و به پلیس آگاهی انتقال داده شد. وی گفت: در بازجویی‌ها متهم با توجه به شواهد و قرائن علمی به جرم خود اقرار کرد و صحنه جرم بازسازی شد. رئیس پلیس آگاهی استان یزد، به شهروندان به ویژه بانوان هشدار داد: ماموران آبرسانی و گازرسانی را با کارت پرسنلی شناسایی کنید و هنگام مشاهده موارد مشکوک از باز کردن در منزل خودداری کنید و مراتب را سریعاً به پلیس اطلاع دهید.

مرد جاعل خانه‌های خالی را اجاره می‌داد

گروه حوادث: فردی که با مدارک جعلی واحدهای خالی مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان را به مردم اجاره می‌داد به دام افتاد. سرهنگ «حسین حسین‌زاده» رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان در این باره گفت:

در پی شکایت مدیر یکی از مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان به پلیس آگاهی مبنی بر اینکه فردی به جای وی واحدهای خالی ساختمانها را به مردم اجاره داده است رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. حسین‌زاده‌افزود: در تحقیقات صورت‌گرفته توسط کارآگاهان مشخص شد شخصی با ارائه مدارک جعلی خود را به عنوان مشاور املاک و مدیر مجتمع مسکونی معرفی کرده و با داشتن کد یکدک واحدهای خالی را به مردم اجاره داده است. این مقام انتظامی اظهار داشت: سرانجام با هوشیاری کارآگاهان پلیس آگاهی متهم حین اجاره دادن واحدهای خالی یکی از مجتمع‌های مسکونی دستگیر شد. رئیس پلیس آگاهی استان با بیان اینکه متهم برای اینکه کسی به وی شک نکند یکی از واحدهای خالی مجتمع‌های مسکونی آماده تحویل را اجاره کرده و در آن ساکن شده بود، تصریح کرد: در بازرسی از منزل متهم کارت شناسایی، سرب‌رگ و مهرهای جعلی مدیران مجتمع‌های مسکونی به همراه مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال وجه نقد کشف و ضبط شد. سرهنگ «حسین‌زاده» عنوان داشت: در تحقیقات صورت‌گرفته مشخص شد این شخص تاکنون هشت واحد آماده تحویل را هر کدام به مبلغ ۲۰ میلیون تومان رهن داده است.

دوباره برگشت به من گفت اگر پولم را ندهی، خودم را می‌سوزانم. گفتیم پولت را می‌دهم. فقط برای من فاکتور بیاور. یکباره بنزین را روی خودش ریخت و گفت خودم را آتش می‌زنم. او نزدیک کوره بود. یکباره قربان آتش گرفت. من بلافاصله برای آموش کردن او اقدام کردم اما دیگر فایده‌ای نداشت. قسمت زیادی از بدنش سوخته بود. ما حتی با اورژانس تماس گرفتیم تا بتوانیم به او کمک کنیم. مشکل ما فقط سر مسائل مالی بود. نامی‌خواستیم او کشته شود.

این متهم در ادامه گفت: کارگرانی که در کارگاه بودند هم شاهد هستند. ما آن روز حتی به قربان دست هم زدیم. آنها شهادت داده‌اند قربان روی خودش بنزین ریخت و حرارت ناشی از کوره باعث اشتعال او شد. من نمی‌دانم چرا قربان در بیمارستان ادعا کرده فرد دیگری

روى او بنزین ریخته است. بعد از گفته‌های یونس و علی دو متهم پرونده، وکلای آنها در جایگاه حاضر شدند و از موکلین خود دفاع کرده و خواستار برائت آنها از اتهام قتل شدند. هیات قضات شعبه ۷۱ بعد از پایان مذاکره وارد شور شدند و حکم برائت دو متهم را صادر کردند.

پونس گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

یونس و علی نیز از همکاران‌مان بودند. پدرم مدعی بود

پونس گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

یونس و علی نیز از همکاران‌مان بودند. پدرم مدعی بود

امین تهرانپارس او را شناسایی کردند. متهم در حالی در دام ماموران گرفتار شد که قصد داشت از داخل یک دستگاه اتوبوس برون‌شهری پارک شده در کنار خیابان یک دستگاه تلویزیون LCD و مبلغ ۳۰۰ هزار تومان پول نقد سرقت کند اما پولیش از آنکه بتواند فرار

کنند، ماموران او را غافلگیر و به کلاترتی منتقل کردند.

هنگامی که متهم به کلاترتی منتقل شد، شاکي که در آنجا حضور داشت، او را به عنوان سارق کیفش شناسایی کرد. چون متهم در کمتر از یک ساعت از دو خودرو سرقت کرده بود ماموران به این نتیجه رسیدند که ممکن است او در سرقت‌های دیگری نیز دست داشته باشد. از این رو وی به دستور دادیار شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۴ در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. بررسی چندین پرونده زورگیری در محدوده شرق تهران از حضور یک موتورسوار حکایت دارد به همین دلیل هم‌اکنون متهم به بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از وی برای افشای جرائم احتمالی‌اش ادامه دارد.

سرهنگ رضا مودن، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران، با اعلام صدور مجوز انتشار تصویر بدون پوشش توسط دادیار پرونده از افرادی که از متهم شکایتی دارند، دعوت کرد به پایگاه چهارم پلیس آگاهی مراجعه کنند. وی همچنین از شهروندانی که از دیگر اقدامات مجرمانه متهم اطلاعاتی دارند درخواست کرد اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۲۱۸۵۵۳۵۹ در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار دهند.

اولیای دم، قاتلی را به خاطر جوانی‌اش بخشیدند

با یک چکش زدم. یادم نمی‌آید چند ضربه بود. سلمان داد می‌زد و مصطفی برای ساکت کردن او دستمالی را به داخل دهانش فشار داد. بعد کمربندی آورد و آن را به دور گردن مقتول انداخت. سپس من و مصطفی با هم کمربند را کشیدیم تا سلمان خفه شد. پول‌ها و دلارهای او را به سرقت بردیم. مشروب خریدیم و خوشگذرانی کردیم. بعد شب که شد برگشتیم و جسد را پتوبیج کردیم و به بیابان‌های اطراف ورامین بردیم و در آنجا با بنزین آتش زدیم. مصطفی نیز در دفاع از خود گفت اتهامات را قبول ندارد و قتل را امیرحسین به تنهایی انجام داده‌است. با این حال هر دو متهم به قصاص محکوم شدند. این حکم از سوی دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت و بعد از گذراندن محاکمه استینان برای اجرا به دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. بعد از گذشت شش سال اولیای دم از قصاص امیرحسین گذشت کردند و گفتند چون او زمان قتل فقط ۱۹ سال داشت و خیلی جوان بود، نمی‌خواهند حکم مرگ او را اجرا کنند. به این ترتیب متهم دیروز به خاطر جنبه عمومی جرم محاکمه شد و حکمش به زندی صادر می‌شود.

اولیای دم، قاتلی را به خاطر جوانی‌اش بخشیدند

بازگشت قاتل مرد دلارفروش به زندگی

می‌خواهد دلارهای سلمان را ببرد. مصطفی از من خواست با او همکاری کنم. من فکر می‌کردم این فقط یک سرقت است و به همین خاطر هم قبول کردم. قرار بود آن روز ما با هم سلمان را به داخل کارگاه بکشانیم و دلارهایش را بذرزیم. چون بعدازظهرها در کارگاه می‌نوبت بود، آن روز قبل از حادثه مقدار زیادی ماده مخدر شیشه‌ی کشیدیم و از حالت عادی خارج شدیم. مصطفی با سلمان قرار گذاشته بود. بعدازظهر سلمان به داخل کارگاه آمد و ما برای سرقت دلارهایش با او درگیر شدیم. و بعد من سلمان را مغلوب کردم و او را روی زمین انداختم. مصطفی به سستم چکشی پرت کرد و من هم سلمان



قتل اعتراف کردند و کیفرخواست علیه هر دوشان به اتهام مشارکت در قتل صادر شد و پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه دادگاه امیرحسین به عنوان متهم ردیف اول از خودش دفاع کرد و گفت: اتهام را می‌پذیرم. من از این بابت بسیار متاسفم و از اولیای دم طلب بخشش دارم. وی گفت: ۲۰ روز بود که با مصطفی آشنا شده بودم. ما هر دو معتاد بودیم و شیشه مصرف می‌کردیم. مصطفی یک روز به من گفت پدرش قصد دارد به خارج از کشور برود و مقدار زیادی دلار خریده است و او می‌خواهد دلارهای پدرش را سرقت کند. چند روز بعد گفت نتوانسته این کار را بکند و حالا

مصدقی گفت: پدرم با هم کار می‌کردیم و پیمانکار بودیم

گاز کلر